

موسیقی ایل قشقایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فرود گرگین پور هنرمند روشندل و با ذوق ایل قشقایی را شاید بتوان از معدود کسانی شناخت که صاحب تجربه و نظرات قابل توجهی در زمینه موسیقی ایل قشقایی است، وی در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دانشنامه لیسانس دارد و هم‌اینک آخرین مراحل تحصیل خود را در زمینه موسیقی می‌گذراند.
گرگین پور از چهارده سالگی به فرا



گرفتن موسیقی ایلی پرداخت و سالها در زمینه موسیقی قشقایی به‌ویژه عاشق‌ها کار کرده است.
پدرش حبیب‌الله خان خود هنرمند شایسته‌ای بوده و برادران او نیز هر کدام صاحب تبحری در زمینه موسیقی قشقایی هستند.
گفتگوی کوتاه همکارمان محمد اولیائی در این شماره با وی شاید بتواند شناختی هر چند کلی از موسیقی ایل قشقایی را در برداشته باشد.

● آیا در میان هنرمندانی که در ایل قشقایی در زمینه موسیقی فعالیت دارند می‌توان با گروه‌های مشخصی روبرو شد؟
○ در میان هنرمندان قشقایی گروه‌هایی همانند، عاشق‌ها، چنگیان، ساریانان وجود دارند. عاشق‌ها در نیم قرن اخیر حضورشان در میان ایل قشقایی دائمی بوده است. اما این گروه از پس سالهای ۳۲ - ۳۵ به دلیل مواجه شدن با مشکلات مالی و فقر و نیز پراکندگی سازمان ایلی، در این سالها هر کدام به نوعی و دلیلی هنرشان را رها کردند و روزبه‌روز از تعداد آنان کاسته شد تا آنجا که امروز از عاشق‌ها کمتر از ده خانوار باقی مانده است.

آیا تنها فقر ایل و آشفنگی زندگی ایل سبب این نابسامانی گردید؟ نه، جای خیلی حرف‌ها هست، چرا که آسیب‌های ناشی از برنامه‌ریزی‌های فرهنگ استعماری اولین ضربات مهلکش بر پیکر فرهنگ و هنر قومی وارد آمد. موسیقی شهری با همه تبلیغات و زور، حتی ذوق ایل را هم مورد هجوم قرار داد، عشایر تحت تأثیر رواج این گونه موسیقی، با موسیقی قومی خود فاصله گرفتند و چه بسا که بر آن ارج واقعی نگذاشتند. عاشق‌ها تنها شدند، بی‌یاور شدند و سرانجام دل‌سرد و دل‌مرده سازشان را به گوشه‌ای نهادند.



رد پای عاشق‌ها را امروز کجا می‌توان گرفت؟

آنها به همراه کوچ راه می‌افتند، اما بی‌هدف، سرگردان، با فقر دست و

پنجه نرم می‌کنند و تنها دلخوشی‌اشان سازشان، ایمانشان است. روزگاران پیش همه عاشق‌ها با هم بودند، با هم راه می‌افتادند، با هم می‌نواختند. اما امروز غم سنگین و بزرگ یک عاشق، تنهایی است. تنها می‌نوازد، تنها می‌خواند و تنها بار فقر و تنگدستی را بر دوش می‌کشد.

راستی چه می‌خوانند؟ چه می‌نوازند؟

موسیقی عاشق‌ها، یک موسیقی پیر و گسترده است. شعرش مالا مال از دنیای معنی است. عاشق‌ها برای هر رویدادی، چه غمناک و چه شادی‌آفرین، نواهی دارند، در هنرشان حماسه جایگاه ارزنده‌ای دارد و در شعرشان عرفان مقامی شایسته.

حضور عاشق‌ها را نه تنها در فارس بلکه در آذربایجان و برون از مرز این سرزمین می‌توان دنبال کرد. چه رابط‌های میان عاشق‌های قشقائی و سایر یاران عاشق آنان در دیگر سرزمین‌هاست؟

با آنکه در این خصوص تحقیقات کافی نشده، اما در خلال روایات قومی می‌توان دریافت که عاشق‌های قشقائی در اصل از مناطقی همانند، قفقاز، شیروان و شکی به فارس مهاجرت کرده‌اند. خوب معلوم است وجوه اشتراکی بین عاشق‌های قشقائی و آذربایجانی وجود دارد. بطور مثال، کوراوغلی عاشق‌های قشقائی از جهت مسایل حماسی، شجاعت و مردانگی با کوراوغلی عاشق‌های آذربایجانی همانند است، اما از نقطه نظر موسیقی اختلافات بسیاری وجود دارد. شاید یکی دو قطعه آهنگ مشابه وجود داشته باشد، ولی اکثراً متفاوت با موسیقی عاشق‌های آذربایجانی است. از جمله آهنگ‌های مشابه، کرم، معصوم و محمود را با کمی اختلاف می‌توان عیناً در اجرای عاشق‌های آذربایجانی هم شنید.

عاشق‌های قشقائی چه سازی می‌نوازند؟

"چگور" نخستین ساز مورد استفاده عاشق‌ها بوده است. این ساز شبیه سه‌تار و دارای ۹ سیم است که عموماً آنرا با مضراب و یا پنجه می‌نوازند. با تاءسف "چگور" بیش از ربع قرن است که عاشق‌ها چندان استفاده‌ای از آن نمی‌کنند، شاید دلیل آن متداول شدن سازهای غیر بومی بوده است. بعدها "نار" جای "چگور" را گرفت در سالهای اخیر نیز به "کمانچه" روی آورده‌اند. گاهی هم می‌توان در میان عاشق‌های جوان استفاده از "ویلن" و "تنبک" را نیز مشاهده کرد.

از آهنگهای قدیمی عاشق‌ها آیا امروز نشانی هست؟ و دیگر اینکه آهنگهای مرسوم امروز عاشق‌های قشقائی چه نام دارند؟

از آهنگهای قدیمی می‌توان از "سحر آوازی"، "آواز سحر"، "جنگ نامه"، "محمد طاهر بیک"، "معصوم" و "صمصام" نام برد. اما از آهنگهای متداول امروز می‌توان به "کوراوغلی"، "محمود و صنم"، "محمود و نگار"، "باش خسرو و هلیله خسرو"، "بیستون"، "حیدری"، "گرایلی" (باش گرایلی - با سمه گرایلی) اشاره کرد.

از عاشق‌ها که بگذریم، در میان ایل قشقائی ما با موسیقی قومی ایل روبرو هستیم که نشانگر فرهنگ قوم قشقائی است، از این موسیقی چگونه می‌توان یاد کرد؟

بله، موسیقی قومی قشقائی را می‌توان میان "چنگیان" دریافت. هنرمندان نوازنده "کرنا" و "نقاره" کسانی‌که حتی امروز هم پیشه اصلی آنان هنرشان هست. اما چه جای ناله‌سفی که اغلب، این طبقه را چندان حرمت نمی‌نهند، آنها را طبقه‌ای پست می‌شمارند و حتی از ازدواج با آنان خودداری می‌کنند. "چنگیان" که نمی‌توانند تنها از راه هنرشان به زندگیشان ادامه دهند، به کارهایی مانند اصلاح سر و صورت، کشیدن دندان، ختنه‌کردن می‌پردازند، چنگیان مربوط به طایفه‌ای خاص نیستند، ردپای آنان را می‌توان در همه‌ی طوایف قشقائی پیدا کرد.

کرنا و نقاره عموماً با هم نواخته می‌شوند، اما در این میان گاهی بجای "کرنا" از "ساز" استفاده می‌کنند. "ساز" آلت موسیقی رایجی است کوچکتر از "کرنا" چه از نقطه نظر دهانه ساز و چه لوله صوتی، صدای "ساز" به مراتب از "کرنا" زیرتر است و امکانات صوتی و اجرایی بیشتری دارد. به همین دلیل می‌توان وسیله آن آهنگهای متنوع و مشکل‌تری را اجرا کرد. "ساز" چندان احتیاجی به نفس ندارد.



با این حساب می‌شود گفت "کرنا" جای خود را به "ساز" سپرده است. نه، کرنا ویژه‌گی‌های خاص خودش را دارد. چرا که صدای آن گاه حتی در دشتی به وسعت کیلومترها بگوش میرسد دلیل استفاده کم‌تر از "کرنا" صرفاً دمیدن نفس زیاد در آن است، چه اغلب دیده شده است که "کرنا" نوازان قشقائی به دلیل نواختن کرنا "پرده‌ای" شده‌اند.



وقتی موسیقی قومی ایل اینچنین بردوش "چنگیان" است و به روایت شما "چنگیان" چندان اعتباری در نزد ایل ندارند، چگونه می‌توان امیدی به حفظ این موسیقی داشت؟

نباید اینگونه تعبیر شود که ایل، چنگیان را از خود دور می‌کند. بلکه کم لطفی به چنگیان زائیده‌ی سنت‌های گذشته است که امروز بی‌تردید چنین برداشتی وجود ندارد. عشایر چنگیان را دوست دارند. شما در کمتر جشن و شادمانی حضور چنگیان را غایب می‌بینید. آنان شادی آفرین و حافظ موسیقی قومی ایل هستند. گمان من بر آن است که آنچه "چنگیان" را تهدید می‌کند، آشفته‌گی و نابسامانی اقتصادی ایل است که سبب شده عشایر کمتر دل و دماغ شنیدن موسیقی را داشته باشند. اما دست آخر یادآوری کنم که همه چیز می‌تواند در میان یک قوم تغییر پذیرد، و یا حتی نابود شود، آنچه نابودی نمی‌پذیرد موسیقی یک قوم است.

آیا در این زمان در ایل چهره‌های شناخته شده‌ای در موسیقی وجود دارند؟

بله، از عاشق‌ها می‌توان "عاشق صیاد" را نام برد. اوبسیاری از آهنگسازان حافظه دارد و همچنین "عاشق اسماعیل" که هنرمندی با تجربه است. از گروه چنگیان باید نامی از "گنجی" برد. او از هنرمندان بسیار با تجربه و ذوق در زمینه اجرای "کرنا" است و بیشتر اوقات همراه ایل کوچ می‌کند. نوازنده دیگر "کرنا"، "فرامرز" است که در اجرای "کرنا" شیوه و سبکی خاص خود دارد.



ساربانان چه گروهی هستند؟

ساربانان را ذوق و علاقه شخصی به کار موسیقی کشانده است، آنان آهنگهای قومی ایل قشقائی را با "نی" می‌نوازند. نی در میان قشقائی سازی قدیمی و شناخته شده است که هنوز از محبوبیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از آهنگهای مخصوص ساربانان " گدان دارغا " را می توان نام برد که در وصف شترهای در حال حرکت است. ساربانان عموماً سازی که می نوازند، در رابطه با زندگی و حال و احوال و پیشه اشان است.

● آیا ترانه هایی که همراه موسیقی قشقائی ها خوانده می شود تنها به زبان ترکی قشقائی است؟

○ ترانه های عاشق ها و چنگیان به زبان ترکی قشقائی است ولی ساربانان با زبانی غیر از ترکی قشقائی می خوانند لکن در اصطلاح بنام " کوروشی " مشهور است. جای شگفتی است که ساربانان با آنکه دارای فرهنگ ایل قشقائی هستند با زبانی شبیه زبان پهلوی سخن می گویند ولی با تاء سف بدلیل در اقلیت بودن این گروه زبان شان در حال از میان رفتن است، تا جایی که حتی فرزندان آنها رغبتی به تکلم با این زبان ندارند. آنها در جایی که باید بهترین خوانندگان قشقائی را در میان این گروه جستجو کرد، زیرا آنان برخوردار از اصیل ترین شکل فرهنگ ایل قشقائی هستند و می توانند محورا ساسی و اصلی تحقیقات فرهنگ قومی ایل قشقائی قرار گیرند.

● سهم موسیقی دانان و هنرمندان گذشته و حال ایل قشقائی در تکامل موسیقی ایل چه بوده است.

○ بی تردید هنرمندان ایل قشقائی هر کدام سهمی در حفظ و تکامل قشقائی داشته اند، به عنوان مثال کمتر می توان نظیر " ماه پرویز " را سراغ گرفت، زنی که اینک هم در سن هفتاد سالگی صدایش از طنین خاصی برخوردار است و یا محمد حسین نامی که ساکن فیروز آباد است و صاحب ذوق است و یا طهمورث کشکولی که زحمات بسیاری در این راه کشیده و باز محمود خان اسکندری

کشکولی که همه ایل او را می شناسند و برای صدایش ارزش قائل هستند. از اساتید گذشته موسیقی ایل قشقائی باید یادی از استاد " داود " کرد. کسی که سوای تسلط بر موسیقی قومی قشقائی در ردیف موسیقی ملی ایران هم صاحب نظر بود و یا " صمصام " موسیقی دانی که آهنگی هم بنام او ساخته شده و بر سر زبانها است.

● آیا می توان ارتباطی بین موسیقی قومی قشقائی و موسیقی سایر اقوام در این سرزمین پیدا کرد؟

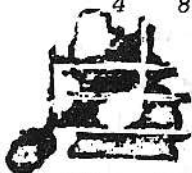
○ موسیقی قشقائی ها از استقلال خاصی برخوردار است، تا آنجا که سوای موسیقی عاشق ها که تحت تاء تیر موسیقی عاشق های آذربایجانی است، موسیقی قشقائی از نفوذ موسیقی سایر اقوام برکنار بوده است. تردیدی نیست که در همین موسیقی آهنگهایی وجود دارد که بین قشقائی ها، لر ها و بختیاری ها مشترک است، اما ربط دادن این آهنگها به قومی خاص کاری مشکل است، هر چند می توان از حالات و تحریرها و خاتمه ها تا حدودی آنها را تشخیص داد.

● ریتم های متداول در موسیقی قومی قشقائی کدامند؟

○ ریتم های متداول این موسیقی تا حدودی در قالب های $\frac{6}{8}$ ، $\frac{2}{4}$ ، $\frac{7}{8}$ قرار می گیرند و آهنگهایی وجود دارد با ریتمی نزدیک به $\frac{3}{4}$ ، $\frac{3}{8}$ ، که گاهی تغییراتی در آن بوجود می آید.

● به هنگام بافندگی و یا در زمانی که ایل در حال کوچ است و یا سایر مشاغل مثل چوپانی آیا موسیقی خاصی اجرا می شود؟

○ زنان بافنده عموماً " هنگام کار آهنگی خاص خود دارند که در ارتباط با کارشان است. و یا به هنگام برنج کوبی و راندن شترها و چرانیدن گوسفندها



عشایر از موسیقی استفاده می‌کنند. در این جا باید بگوئیم بخش قابل توجهی از موسیقی قوم قشقائی را لالائی‌ها تشکیل می‌دهد که در میان عشایر به ویژه مادران بسیار رایج است. لالائی‌ها را سواى مادران به هنگام اسکان ایل در میانه را کوچ شب هنگام وسیله نگیبانان که دورآتش جمع می‌شوند خوانده می‌شود. واسونک‌ها نوع دیگری از موسیقی ایل قشقائی است که توسط زنان عشایر در مجالس عروسی و شادی خوانده می‌شود. گاهی در میان عشایر رسم بر این است که شخصی داستانی روایت می‌کند و دیگری در رابطه با داستان آهنگی می‌نوازد. این کار تا پایان داستان ادامه می‌یابد. همچنین باید گفت که زنان عشایر به هنگام عزا با صدای گریه خود که از نوای خاصی برخوردار است نوعی آهنگ ارائه می‌دهند که کاملاً متفاوت با سایر گریه‌ها است.



● موقعیت رقص در ایل قشقائی چگونه است؟ آیا به هنگام

اجرای رقص زنان و مردان لباس خاصی می‌پوشند؟

و اصولاً نحوه اجرای این رقصها بر چه اساسی است؟

○ اغلب در میان عشایر رقص به صورت گروهی اجرا می‌شود، از جمله باید از رقص گروهی مردان عشایر نام برد که بنام " جنگ نامه " مشهور است. این رقص توسط دو نفر اجرا می‌شود، یکی از آنها چوبی ضخیم به طول دو متر و دیگری ترکه‌ای نازک بدست می‌گیرد. نفر اول چوب را بر زمین به گونه‌ای استوار می‌سازد که از ضربات ترکه نفر دوم در امان باشد. معمولاً رقصنده پای خود را با پایبچه‌های مخصوص و " ملکی " می‌پوشاند، ولی گاهی اتفاق افتاده که در اثر ضربه " ترکه " استخوان پا شکسته است. بعد از اینکه ترکه به پای طرف مقابل اصابت کرد، طرفین ترکه و چوب را عوض می‌کنند. برای این رقص لباس بلندی به تن می‌کنند بنام " شال ارخالق " و شال بلندی به کمر می‌بندند و از کلاه دوگوش استفاده می‌کنند. آهنگی که برای اجرای این

رقص زده می‌شود همان " جنگ نامه " نام دارد و معمولاً با کرنا نواخته می‌شود. این آهنگ حالتی کاملاً رزمی دارد و عشایر در هنگام درگیری‌های با رژیم سابق آنرا توسط معروفترین کرنا نوازان خود اجرا می‌کردند که باعث تهییج آنها می‌شد. رقص " جنگ نامه " در عروسی‌ها نیز اجرا می‌شود. رقص زنان در میان ایل به " هلی " مشهور است، و بصورت گروهی اجرا می‌شود. این رقص با ریتمی کند شروع شده و بتدریج بر سرعت آن افزوده می‌گردد، که هر قسمت از آهنگش نام خاصی دارد، مانند " لکی ". این رقصها از تقدس خاصی برخوردار است، و از جنبه جلفی که در بسیاری از رقصها رایج است، مبرا است. و حتی در اوج هیجان رقص، اندوهی را می‌توان حس کرد. وسیله رقص " هلی " دستمال است. زن قشقائی رقص را بسیار دوست دارد، و کمتر زنی در قشقائی می‌توان سراغ گرفت که از این هنر بهره‌ای نبرده باشد.....

● موسیقی قشقائی را در کدامین مناطق فارس می‌توان شنید؟

○ عموماً این موسیقی در سراسر مسیر کوچ قشقائی همانند، کازرون، لار، ممسنی، سمیرم، دوگنبدان، گچساران و تا حدود کمی در منطقه خنج و داراب رایج است.

